

# دورنمای قیمت نفت: روند پایدار افزایش یا پایداری در روند نوسان...؟

گروه گزارش

## مقدمه

بی شک قیمت نفت مهمترین موضوع بازار نفت است که مورد توجه سیاستمداران، صاحبان صنایع، معامله گران و تحلیل گران نفت در اقصی نقاط جهان می باشد. علیرغم این توجه و علاقه مفروط و غیرقابل اشباع به بهای نفت و پیش بینی آن در آینده، متأسفانه در چند ساله اخیر روش های به کار گرفته شده برای این منظور کفایت کننده امر و هدف مورد نظر نبوده و دست اندرکاران و تحلیل گران را برآن داشته است تا عوامل و روش های سنتی مورد نظر را مورد بازنگری و تجدیدنظر قرار

دهند.

هدف از مقاله حاضر عمدتاً بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل اساسی و بعضاً ناپایداری است که در ماههای پایانی سال ۱۹۹۶ موجبات افزایش نسبتاً قابل توجه بهای نفت در بازارهای جهانی را فراهم آورده اند. با توجه به اینکه در خصوص وضعیت یاد شده برای بازار نفت دو گونه برداشت کاملاً متفاوت که یکی آن را «دوره جدیدی برای قیمت های نفت در سطح بالاتر» و دیگری آن را «یک دوره موقت و ناپایدار» می انگارد، در مقاله موجود نخست عوامل اساسی مورد نظر در

شکل گیری ساختار بازار نفت و قیمت آن را مورد بررسی و کنکاش قرار می دهیم و پس از آن ضمن ارائه و معرفی روش جدید مسورد توجه تحلیل گران که عبارت از طراحی سناریوهای (گزینه های) مختلف برای قیمت نفت می باشد، گزینه های مورد نظر برای بهای نفت در آینده را مورد نقد و ارزیابی قرار خواهیم داد.

## بخش اول - عوامل اساسی مؤثر بر قیمت نفت

در هرگونه تجزیه و تحلیل بازار نفت و پیش بینی قیمت آن مفروضاتی در مورد

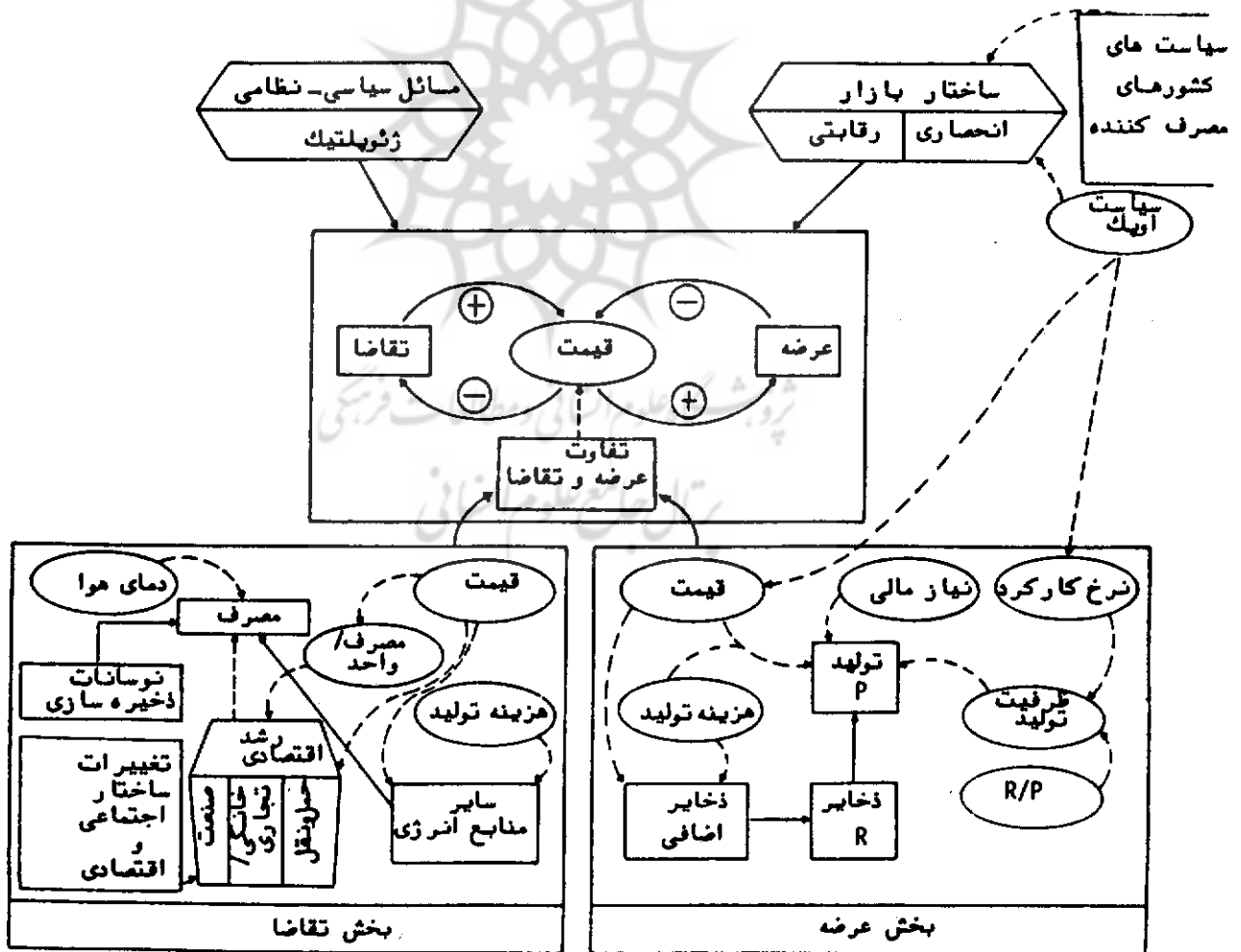
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

عوامل خاص صنعت نفت و بالاخره عوامل مربوط به ساختار بازار نفت. عوامل چهارگانه مزبور ممکن است به تناسب به طرف تقاضا یا عرضه و یا هر دو طرف مؤثر باشند. نمودار (۱) به نحو مطلوبی روابط متقابل متغیرهای مربوط به گروههای چهارگانه عوامل مؤثر بر قیمت نفت را نشان می‌دهد و در سطور آینده هر یک از این گروه عوامل را مورد بررسی و تشریح قرار خواهیم داد.

مفروضات مزبور در قالب یک نظریه جامع به سطح قانع‌کننده و رضایتبخشی نرسیده است، لکن محافل و مجامع مربوط در حال ابداع روشهایی هستند که قادر باشند بر کاستیهای ذاتی این روش‌ها فائق آیند. به هر حال در پیش‌بینی‌های میان‌مدت و بلندمدت قیمت نفت، نوعاً به عواملی اشاره می‌شود که میتوان آنها را به چهار گروه تقسیم نمود که عبارتند از: عوامل سیاسی - نظامی، عوامل اقتصادی،

ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی و فنی مرتبط با این ماده برآورد می‌شود که در واقع مبانی بنیادی آن تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی را تشکیل می‌دهد. بنابراین استحکام و منطقی بودن چنین بررسیهایی بیش از هر چیز در گرو انتخاب مفروضات متناسب و دقت نظر در بسافتن همبستگی‌های عملی، متقارن، متضاد و پیش‌بینی آنها می‌باشد. متأسفانه تلاشهای تئوریک در زمینه قانونمند کردن تمامی

نمودار ۱ - نمودار عوامل مؤثر بر قیمت نفت



**۱- عوامل سیاسی - نظامی (ژئوپلیتیک):**

از اواسط قرن بیستم همواره با بهره‌گیری از نفت در ابعاد گوناگون به‌اهمیت این ماده در معادلات جهانی افزوده گشت و مسائل اقتصادی نفت در بعد بین‌المللی با مسائل سیاسی توأم گردید. مجموعه حوادث دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ و نیمه اول دهه ۱۹۹۰ نظیر جنگ ایران و عراق حمله عراق به کویت و غیره بیانگر آنست که بررسی و تحلیل علل و عوامل نوسانات بهای نفت بدون توجه به‌بستر سیاسی و روابط قدرت در بین بلوک‌ها و کشورهای جهان غیر ممکن است. دلایل این رابطه نزدیک بین نفت و سیاست را می‌توان در واقعیت‌های زیر خلاصه کرد.

**الف - نفت به‌عنوان مهمترین منبع انرژی در جهان تقریباً تمامی جنبه‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان به‌ویژه ممالک صنعتی را به‌عنوان مهمترین بلوک مصرف‌کننده این ماده در برمی‌گیرد. طبیعی است که با چنین ماهیتی دولتهای این کشورها حداکثر توان خود را برای تأثیرگذاری بر روند آن در جهت منافع ملی کوتاه مدت و بلندمدت خود بکار می‌گیرند.**

**ب - قسمت اعظم ذخایر نفتی جهان و به‌تبع آن تولید نفت در خاورمیانه و خلیج فارس که از گذشته دور از لحاظ سیاسی منطقه پر تلاطمی بوده، متمرکز می‌باشد. البته نظریاتی هم هست که تلاطم این منطقه را بیشتر معلول تمرکز نفت در منطقه مزبور می‌دانند. ضمن آن که پذیرش یا رد این نظریه کار چندان ساده‌ای نیست، نتیجه‌گیری از این واقعیت را که تا آینده بسیار بلندمدتی نفت در این منطقه وجود دارد و سایر کشورهای جهان به‌آن وابسته هستند را تغییر نمی‌دهد. بنابراین در هر حال عرضه نفت جهان محکوم به‌تحمل این تنش‌ها و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن است.**

**ج - به‌طور کلی برای غالب صادرکنندگان نفت که عمدتاً در زمره کشورهای جهان سوم هستند نفت منبع تحقق ایده‌آلهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حال و آینده به‌حساب می‌آیند و**

کلیه سیاستها، برنامه‌ها، بودجه‌ها و سایر ابعاد اقتصادی اجتماعی این کشورها به‌نحوی در ارتباط با نفت و درآمد حاصل از آن پی‌ریزی می‌شود. بر این اساس در این ممالک سیاست و نفت نیز آموری تفکیک‌ناپذیر به‌حساب می‌آیند. و دولت‌های این کشورها تلاش می‌کنند کنترل کامل خود را بر جنبه‌های مختلف این ماده اعمال نمایند.

بنابراین ویژگی‌ها، نمی‌توان مسیر آتی قیمت نفت برای آینده را فارغ از مسائل سیاسی بین‌المللی و داخلی کشورهای مختلف تولیدکننده، مصرف‌کننده و مسائل سیاسی - نظامی بین‌المللی تحلیل نمود. ولی در عین حال پیش‌بینی وقایع سیاسی و نظامی در واقع نقطه اصلی آسیب‌پذیری پیش‌بینی‌های مربوط به‌قیمت نفت را تشکیل می‌دهد، چرا که چنین حوادثی در عین تأثیر عمیقی که بر روند قیمت‌ها و سایر جنبه‌های اقتصادی نفت دارند، ماهیتاً غیر قابل پیش‌بینی هستند.

**۲- عوامل اقتصادی**

مهمترین عاملی که از نظر اقتصادی بر تقاضا برای نفت و به‌منبع آن بر قیمت این ماده مؤثر است، وضعیت عمومی اقتصادی جهان است که عمدتاً با تولید ناخالص ملی کشورهای مختلف سنجیده می‌شود. میزان تأثیر وضعیت اقتصادی بر مصرف انرژی و نفت از نسبت‌هایی به‌دست می‌آید که به‌ترتیب موسوم به‌شدت انرژی Energy Intensity و شدت نفت Oil Intensity می‌باشند که در واقع میزان مصرف مقدار معینی انرژی یا نفت را در برابر ارزش مقدار خاصی از تولید ناخالص داخلی می‌سنجد (مثلاً مقدار مصرف نفت یک کشور در طول یکسال به‌نسبت ارزش پولی تولید ناخالص داخلی آن در همان سال).

عامل دیگری که از نظر اقتصادی بر قیمت‌های نفت به‌ویژه در بلندمدت مؤثر است وضعیت بازار مالی جهان، نرخهای بهره و نرخ بازدهی سرمایه‌گذاران نفتی در مقایسه با سایر فرصتهای سرمایه‌گذاری است. این عوامل به‌نوبه خود از یک سو

تحت تأثیر شرایط عمومی اقتصاد جهان و شرایط خاص کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای بزرگ صنعتی است و از سوی دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر ارزیابی افراد و مؤسسات مختلف از دورنمای بهای نفت در آینده کوتاه‌مدت و بلندمدت قرار می‌گیرند.

عامل سومی که می‌تواند در زمره عوامل اقتصادی مؤثر بر قیمت نفت طبقه‌بندی شود، موضوع تکنولوژی و پیشرفت آن است با پیشرفت تکنولوژی به‌طور عام می‌توان با مصنوعات جدید و افزایش کارایی بخش‌های مختلف اقتصادی و صنعتی تقاضا برای انرژی و نفت را کاهش داد. از سوی دیگر پیشرفت تکنولوژی در صنعت انرژی و نفت می‌تواند اطلاعات دقیق‌تر و سریع‌تری در زمینه منابع مختلف انرژی در اختیار بگذارد و روشهای سهل‌تر و کم‌هزینه‌تری را برای بهره‌برداری از آنها ارائه نماید که در نهایت به‌رهزینگی تولید و سایر پارامترهای اقتصادی مؤثر خواهد بود.

**۳- ویژگیهای صنعت نفت**

علیرغم آنکه مبانی مربوط به‌تحلیل بازار کالاها و مواد مختلف از اصول اقتصادی نسبتاً مشترک و یکسانی پیروی می‌کند، لکن ویژگیهای خاص و بعضاً منحصر به‌فرد صنایع، کالاها و مواد گوناگون نه تنها کمکی قابل ملاحظه‌ای در انتخاب دیدگاه علمی و کاربردی مناسب در اختیار می‌گذارد، بلکه در بسیاری از موارد لازمه اجتناب‌ناپذیر تحلیل اقتصادی از آن صنعت و فرآورده‌های مربوط، می‌باشد. یکی از صنایعی که به‌کرات در متون مختلف از این نظر مورد تأکید قرار گرفته، صنعت نفت است که خصوصیات ویژه آن سبب گردیده کتب و مقالات خاصی از دیدگاه اقتصادی در مورد آن نگارش یابد و دوره‌های خاص علمی و آموزشی تحت عنوان اقتصاد انرژی و نفت از سوی دانشگاه‌ها و مؤسسات معتبر برای آن ایجاد شود. ویژگیهای خاص صنعت نفت که برای پیش‌بینی قیمت آن باید در نظر گرفته شود، به‌قرار زیر است:

الف - صنعت نفت صنعتی است سرمایه‌بر Capital Intensive که در آن نسبت هزینه سرمایه‌گذاری انجام شده به نیروی کار در سطح بسیار بالایی قرار دارد. بدیهی است این ویژگی حاکی از آنست که ورود به این صنعت از سوی افراد، شرکتها یا مؤسسات با سرمایه اندک و یا متوسط امکان‌پذیر نمی‌باشد.

ب - تکنولوژی و تخصص‌های بکار گرفته شده در صنعت نفت از سطح بسیار بالایی برخوردار است، به طوری که در صحنه جهانی کمتر کشور یا شرکتی است که بتواند با شرکت‌های بزرگ این صنعت نظیر اگزان، شل، بی‌پی و غیره رقابت قابل توجهی داشته باشد. در داخل کشورهای تولیدکننده نفت نیز کمتر صنعتی است که در حد صنعت نفت آنها از تکنولوژی پیشرفته برخوردار باشد. به نظر می‌رسد در آینده بلندمدت که حوزه‌های سهل‌الاستحصال نفتی خاورمیانه و نقاط دیگر تهی گردد و این حوزه‌ها و مناطق نفتی دیگر نیاز بیشتری به بهره‌برداریهایی از دیداد برداشت Enhanced oil Recovery (EOR) داشته باشند، اهمیت تکنولوژی و وجه انحصاری آن نمایان‌تر شود. هم اکنون نیز در حوزه‌های نفتی جمهوریهای سابق شوروی و سایر نقاط باز شده بر روی سرمایه‌گذاریهایی خارجی، صرفاً معدودی شرکت‌های بزرگ نفتی که از نظر تکنولوژی و سرمایه در سطح بالایی هستند حضور پیدا کرده‌اند.

ج - بهره‌برداری از سرمایه‌گذاریهایی انجام شده در صنعت نفت نیازمند زمان طولانی است. چنین سرمایه‌گذاریهایی برای بخش پایین دستی (پالایشگاهی و شبکه توزیع) Downstream به طور متوسط در حد پنج سال و برای سرمایه‌گذاری بخش بالا دستی (اکتشاف و استخراج) Upstream نیازمند ده الی بیست سال زمان است. بنابراین ویژگی، ثبات سیاسی و اجتماعی در منطقه سرمایه‌گذاری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این ویژگی سرمایه‌گذاریهایی نفتی موجب گردیده به ویژه در بخش بالادستی مکانیسم بازار که علائم قیمتی لازم را برای

سرمایه‌گذاری‌های لازم در اختیار می‌گذارد، در صنعت نفت کارایی لازم را نداشته باشد و بسیاری از صاحب‌نظران چرخه‌های رونق و رکود، مازاد عرضه و کمبود شدید آن را در تاریخچه صنعت و بازار نفت معلول این عامل می‌دانند و براین اساس دخالت در بازار از سوی دولت‌ها و سیاستگذاران را ضروری می‌شمارند.

د - علیرغم نیاز صنعت نفت به سرمایه‌گذاریهایی کلان که از آن به عنوان ویژگی‌های سرمایه‌بر بودن صنعت یاد نمودیم، هزینه‌های جاری یا عملیاتی این صنعت بالنسبه در سطح نازلی قرار دارد. نادیده انگاشتن این ویژگی در گذشته از عوامل مهم انحراف پیش‌بینی‌های گذشته قیمت نفت از روند واقعی آن بوده است. مثلاً قبل از سال ۱۹۸۶ میلادی که بهای نفت از سطح حدود ۳۰ دلار هر بشکه به کمتر از ۱۰ دلار سقوط کرد، پیش‌بینی می‌شد بسیاری از حوزه‌های نفتی دریای شمال انگلستان و نروژ به علت بالا بودن هزینه‌های استخراج در سطح قیمتهای پایین‌تر از ۱۸-۲۰ دلار هر بشکه تعطیل شود. نحوه محاسبه هزینه نقطه تعطیل این حوزه‌ها در آن زمان در نظر گرفتن هزینه‌های سرمایه‌ای و عملیاتی به همراه هم بود، حال آن که مخارج سرمایه‌گذاری به هر حال انجام شده بود و در شرایط کاهش قیمت‌ها صرفاً هزینه‌های عملیاتی بود که تعیین‌کننده نقطه تعطیل بود که به مراتب پایین‌تر از سطح مورد اشاره قرار داشت.

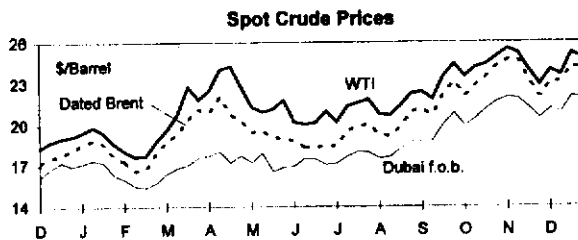
#### ۴- خصوصیات ساختاری بازار نفت

علاوه بر خصوصیات صنعت و ویژگی‌های ماهوی این ماده که بر بازار و قیمت فرآورده‌های آن مؤثر است و در سطور گذشته به آنها اشاره گردید، ساختار بازار نفت یعنی آرایش دولتها، سازمانها، مؤسسات، شرکتها و سایر عوامل نقش‌آفرین در عرصه بازار نفت از اهمیت به‌سزایی در تعیین و شکل‌گیری قیمت نفت خام و فرآورده‌های حاصل از آن برخوردار است.

طبق نظر اقتصاددانان، به‌طور کلی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی ساختار بازار نفت از یک الگوی انحصار چند جانبه Oli Gopoty مستحکم از تعداد معدودی شرکتهای نفتی پیروی کرده است. بر این اساس شرکتهای مزبور با ایجاد یکپارچگی Integration بر حسب تسلطی که بر مبنای تکنولوژی سرمایه زیاد و حمایت سیاسی بر عمده منابع نفتی جهان در کشورهای صنعتی و غیر صنعتی داشتند و نیز با در اختیار داشتن همزمان بخش اعظم پالایشگاهها و شبکه حمل و نقل و توزیع، کارتری بسیار قوی ایجاد کرده بودند و مسائل مربوط به تولید و عرضه جهان، قیمت‌های مورد معامله در بازار و سهام هر شرکت عضو کارتل و نظایر آن را مورد تصمیم‌گیری و توافق قرار می‌دادند.

وضعیت بازار نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ متعاقب مجموعه‌ای از تحولات اقتصادی و سیاسی در عرصه جهان به تدریج متحول گردید که بسیاری نقطه عطف و شروع آن را سال ۱۹۷۳ و مقارن تحریم نفتی اعراب علیه آمریکا و چند کشور اروپایی حامی اسرائیل می‌دانند به هر حال در حدود همین زمان بود که کارتل شرکتهای بزرگ نفتی توان کنترل همه جانبه خود بر صنعت نفت به‌ویژه در بخش بالادستی را از دست داده و یا بنابر نظر دیگری صرفه اقتصادی خود را در اتخاذ استراتژی دیگری ملاحظه نمود.

از این زمان همراه با کنترل بیشتر کشورهای تولیدکننده نفت (به‌ویژه تولیدکنندگان اوپک) بر منابع نفتی و فروش خود، بازار آزاد نفت (بازار جهانی خارج از تسلط شرکتهای بزرگ نفتی) که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کمتر از پنج درصد نفت مورد معامله جهان در آن مبادله می‌شد، شروع به رشد نمود به همین ترتیب در بخشهای مختلف صنعت نفت، شرکتها و مؤسسات متوسط و کوچک که تا آن زمان تحت تأثیر تسلط شرکتهای بزرگ توان ظهور و رقابت نداشتند، فعالیت خود را آغاز کردند. مجموعه این عوامل بازار را از حالت سکون، ثبات و یکپارچگی که



در روزهای پایانی سال ۱۹۹۵ میلادی بهای نفت برنت دریای شمال که به عنوان یکی از شاخص‌های عمده بازار نفت مطرح است، در سطح ۱۸ دلار برای هر بشکه قرار داشت. بسیاری از تحلیل‌گران انتظار داشتند بهای نفت در سال ۱۹۹۶ کما بیش در سطح سال قبل و یا حتی قدری کمتر از آن باشد. پس از فراز و نشیب‌های مختلف، اینک بهای متوسط برنت برای سال ۱۹۹۶ معادل ۲۲/۵ دلار یعنی ۴/۵ دلار بیش از حد مورد انتظار بوده است.

سؤال اساسی که در اینجا مطرح است آنست که چگونه غالب تحلیل‌گران نسبت به پیش‌بینی بهای نفت تا این درجه غفلت و ضعف نشان دادند و این که آیا بالاخره سال ۱۹۹۶ می‌تواند نقطه عطفی برای سوق یافتن بهای نفت به سطح بالاتر در نظر گرفته شود. و یا آنکه عوامل ایجادکننده روند افزایش قیمت عواملی موقت موقت و ناپایدار بوده‌اند و برای سال ۱۹۹۷ قابل تکرار نیستند. برای ارائه پاسخ دقیق‌تر به این سؤالات بایستی تقاضا و عرضه را با جزئیات بیشتری مورد بررسی قرار دهیم.

#### تقاضا و عرضه برای نفت خام و فرآورده‌های نفتی

استحکام تقاضا برای نفت خام و فرآورده‌های نفتی سبب گردید طی شش ماهه گذشته در چند نوبت برآورد تقاضا مورد تجدید نظر افزایش قرار گیرد، به طوری که در آخرین ماه که این تجدید نظر صورت گرفت (اکتبر ۱۹۹۶) معادل ۳٪ رشد برای افزایش تقاضای نفت گزارش گردید، ولی برای ماه نوامبر

یافت.

ب - کشورهای صنعتی براساس سیاست فشار بر اوپک، تهیه نفت از کشورهای عصر آن را در آخر فهرست عرضه‌کنندگان خود قرار دادند.

ج - تحت تأثیر قیمت‌های بالاتر برای نفت و سیاست کشورهای صنعتی، عرضه نفت از منابع غیر اوپک افزایش یافت و بدین ترتیب کنترل اوپک با نزول سهم بازار آن، روبه‌افول گذارد.

د - تحت تأثیر عوامل مذکور در بند ج، بازار آزاد نفت Spot Market و بازار کاشغری Paper Market (شامل بازار معاملات سلف Forward و بازار آینده Futures Market) رشد یافت و به تدریج کانون تعیین قیمت از اوپک به سمت این بازارها سوق یافت.

#### بخش دوم - وضعیت بازار نفت در سال ۱۹۹۶ میلادی

در سطور گذشته عوامل اساسی موثر بر روند کوتاه‌مدت و بلندمدت قیمت نفت در بازارهای جهان را از نظر گذرانیم در این فصل با تکیه بر این آثار چنین عواملی که معرفی آنها بیشتر جنبه روش شناختی در تحلیل مسائل بازار نفت را ارائه می‌نمود، در نظر است روند غیر منتظره افزایش بهای نفت در سال گذشته میلادی را مورد بررسی و دقت نظر قرار دهیم و براساس آن ضمن پاسخگویی نسبی به این سؤال که آیا روند مزبور یک پدیده موقت، ناپایدار و تکرار نشدنی است و یا آنکه واقعاً روند قیمت‌ها به سطح بالاتری سوق یافته، سناریوهای محتمل برای بهای نفت در آینده سیاست مدت را ترسیم نماییم.

شرکتهای بزرگ ایجاد کرده بودند، خارج ساخت و به تدریج نوسان، بی‌ثباتی و پراکندگی جانشین آن شد.

کشورهای صنعتی بویژه آمریکا و انگلستان که از کنترل بازار نفت توسط شرکتهای نفتی مربوط به خود ناامید شده بودند، از جهات گوناگون سعی کردند تسط خود بر بازار را تجدید نمایند. بر این اساس در سال ۱۹۷۴ آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) برای هماهنگی سیاستهای انرژی این قبیل کشورها تشکیل شده و از سوی دیگر کشورهای مزبور تبلیغات شدیدی را علیه اوپک به راه انداختند و با اغراق آمیز جلوه دادن توان کنترل اوپک بر بازار و قیمت‌های نفت، آن را به عنوان یک سازمان انحصارگر که حیات اقتصادی غرب را در گروگان دارد، معرفی کردند.

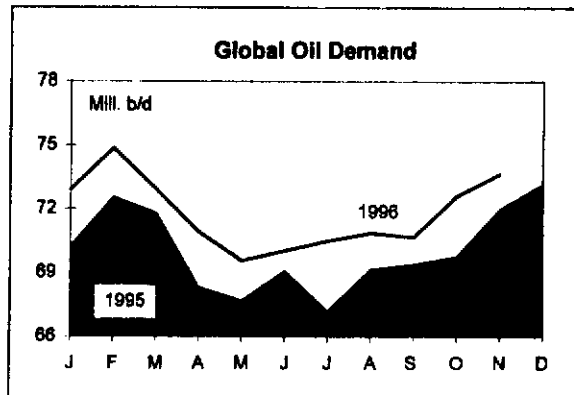
این وضعیت در حالتی بود که در جریان هر دو شوک نفتی (جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹) اوپک به عنوان یک مجموعه نفتی دخالت نداشت و این دو حادثه حوادثی سیاسی - نظامی و خارج از کنترل و ابتکار اوپک به شمار می‌آمدند. مجموعه عوامل مربوط به پراکندگی بازار، عدم انسجام اوپک و فقدان اراده کافی از سوی اعضای اصلی آن، ذینفع نبودن شرکتهای بزرگ نفتی در قیمت‌های بالا برای نفت و فشار سیاسی - اقتصادی دولت‌های کشورهای صنعتی، بالاخره در سال ۱۹۸۶ منجر به سقوط بهای نفت گردید که بسیاری از تحلیل‌گران این سال را نقطه شروع بازار آزاد برای نفت (فارغ از کنترل شرکتهای بزرگ در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و بدون تسلط اوپک در فاصله سالهای ۸۶-۱۹۷۴) می‌دانند. علل و عوامل موجد این تحولات بسیار گسترده و عمیق می‌باشد و بررسی آنها مستلزم مطالعات و مقالات مستقل می‌باشد. ولی نتایج و نمودهای بارز تحولات مزبور برای ساختار بازار نفت در دهه ۱۹۸۰ را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

الف - از نظر تقاضا تحت تأثیر سیاست‌های کشورهای صنعتی و افزایش بهای نفت نرخ افزایش مصرف نفت کاهش

متوسط ۱/۵ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت. ولی ممکن است به زمان بیشتری احتیاج باشد تا اثر این افزایش تولید بر بازار احساس شود. البته برنامه بسیاری از حوزه‌ها آن بوده است که در ژانویه به تولید برسند، ولی پایین بودن سطح ذخیره‌ها و تقاضای زمستانی، از سرروز آثار افزایش تولید غیراوپیک جلوگیری کرده است. ضمناً بخش بیشتر افزایش تولید غیراوپیک قرار است در نیمه دوم سال به جریان درآید و بنابراین می‌توان انتظار داشت اثر اصلی افزایش تولید غیراوپیک در اواخر سال میلادی جاری ظاهر شود.

در سال گذشته میلادی نسبت به تولید غیر اوپیک خوش‌بینی بیش از اندازه نشان داده شد ولی به‌رحال می‌توان انتظار داشت علیرغم عدم تحقق کامل پیش‌بینی مربوط به غیر اوپیک در سال گذشته، عواملی نظیر پیشرفت تکنولوژی، انعطاف‌پذیرتر شدن کشورهای میزبان نسبت به سرمایه‌گذارهای جدید و کاهش هزینه در جریان هستند که تولید از مناطق غیر اوپیک را افزایش دهند، که این امر بویژه با توجه به افزایش بهای نفت محتمل‌تر می‌نماید.

در دریای شمال، توسعه‌های تاخیر یافته در بخش انگلستان که موجبات تجدیدنظر کاهشی در تولید این منطقه شد، احتمالاً موجب افزایش ۲۰۰,۰۰۰ بشکه در روز در تولید متوسط این منطقه خواهد شد. ولی افزایش تولید نیروژ که در سال ۱۹۹۶ به سطح ۳۵۰,۰۰۰ بشکه در روز



۵۶۰,۰۰۰ بشکه افزایش به ۴۲/۸۸ میلیون بشکه در روز بالغ گردید که افزایش ایجاد شده معلول تولید اضافی دریای شمال، آمریکای لاتین، چین، استرالیا و شوروی سابق بود. متن زیر روند تولیدات اوپیک و غیر اوپیک را برای سال ۱۹۹۶ میلادی نشان می‌دهد.

نظر به اهمیت تولید از مناطق خارج از کشورهای اوپیک که در واقع نقطه اصلی آسیب‌پذیری بسیاری از پیش‌بینی‌های قیمت نفت در میان مدت می‌باشد، با تفصیل بیشتری این موضوع را بررسی می‌کنیم.

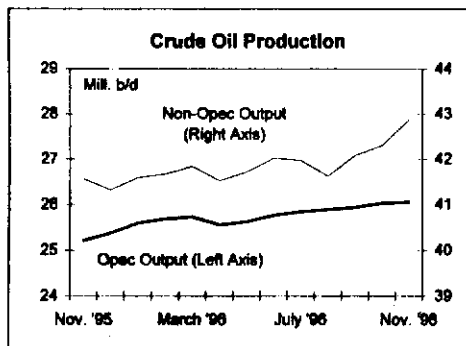
#### تولید از مناطق غیر اوپیک

بررسی کلی و جامع از برنامه‌های افزایش ظرفیت تولید نفت در کشورهای خارج از اوپیک حاکی از آن است که میزان تولید این گروه از کشورها در سال ۱۹۹۷ به‌طور

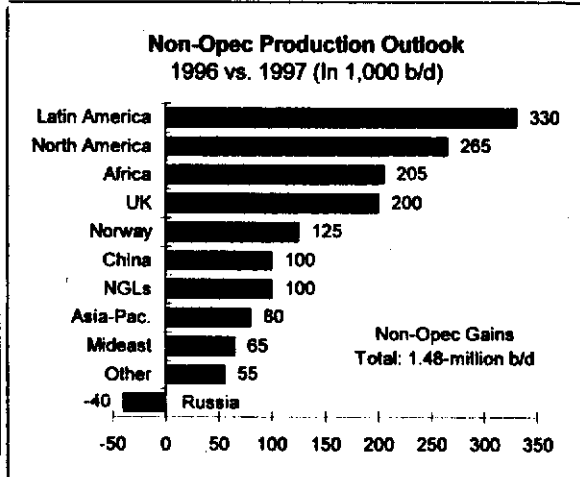
تقاضای کمتری برآورد گردیده است در مجموع ارقام اولیه برای پیش‌بینی تقاضای نفت حاکی از آنست که میزان تقاضای جهانی نفت در سال ۱۹۹۶ با ۲/۳ درصد رشد نسبت به سال قبل از آن به ۷۳/۶ میلیون بشکه در روز رسیده است. منحنی بالا میزان افزایش تقاضای جهانی نفت در سال ۱۹۹۶ را نسبت به سال ۱۹۹۵ نشان می‌دهد.

از سوی دیگر تولید جهانی نفت در نوامبر سال گذشته با ۶۶۰/۰۰۰ بشکه افزایش به ۷۱/۵ میلیون بشکه در روز بالغ گردید که این رقم بدون در نظر گرفتن افزایش تولید عراق می‌باشد. در دو ماه پس از آن کشورهای اوپیک نیز تا حدی تولید خود را افزایش داده‌اند. البته علیرغم آنکه افزایش تولید غیر اوپیک به‌میزانی قابل توجه و در سطح گسترده‌ای بوده به‌طوری که در سال ۱۹۹۶ به‌طور متوسط ۱/۱۱ میلیون بشکه افزایش برای این گروه گزارش گردیده لکن مجموعاً این رقم از میزان افزایش پیش‌بینی شده برای آن که رقم ۱/۵ میلیون بشکه در روز بوده کمتر می‌باشد.

در مجموعه اوپیک، تولید ماه نوامبر در سطح تقریبی ۲۶ میلیون بشکه قرار داشته، لکن با احتساب افزایش تولید عراق می‌توان انتظار داشت تولید ژانویه معادل ۲۶/۵ میلیون بشکه در روز یا قدری بیش از آن باشد و به‌نظر می‌رسد این سطح تولید کما بیش برای سال ۱۹۹۷ ادامه داشته باشد. در خارج از اوپیک تولید ماه نوامبر با



تقاضا	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷ (پیش‌بینی)
کشورهای صنعتی	۴۰/۳	۴۱/۱	۴۲/۵
سایر کشورها	۲۹/۶	۳۰/۷	۳۲/۲
مجموع	۷۰/۱	۷۱/۸	۷۴/۸
عرضه			
غیر اوپک	۴۲/۵	۴۳/۵	۴۵/۳
اوپک (شامل NGL)	۲۷/۵	۲۸/۶	۲۸/۸
مجموع	۷۰/۰	۷۲/۱	۷۴/۱
تغییرات ذخیره‌سازی	۰	۰/۴	(۰/۷)



ذخایر تجاری نفت خام در کشورهای صنعتی معادل ۱۴ میلیون بشکه نسبت به سال قبل کمتر بوده و آمارهای قیمت حاکی است طی دسامبر برداشت از ذخیره‌ها نیز صورت گرفته است. در اولین هفته ژانویه، ذخایر نفت خام آمریکا به ۲۸۴ میلیون بشکه کاهش یافت، به طوری که برای بیش از یک دهه تا این حد نشده بوده است.

ولی در واقع کمبود واقعی بیشتر در بازار فراورده بوده است. ذخیره فراورده‌های تقطیری (نفت سفید و گازوئیل) با توجه به استانداردهای گذشته به ویژه در آمریکا در سطح بسیار نازلی قرار دارد و در ربع اول سال پالایشگران در حال پیشینه کردن تولید فراورده‌های میان تقطیر خود بوده‌اند که این کمبود را جبران نمایند. اگر چه ذخیره‌های فراورده‌های میان تقطیر در ربع اول سال در آمریکا و اروپا کمایش در سطح سال گذشته بوده، هنوز هم نسبت به دو سال قبل از آن در سطح نازلی قرار دارند. تا پایان سال ۱۹۹۶ ذخیره‌های فراورده‌های میان تقطیر آمریکا به قدری بیش از ۱۲۵ میلیون بشکه افزایش یافته بود که ۱۰ میلیون بشکه نسبت به پایان سال ۱۹۹۵ و معادل ۲۰ میلیون بشکه نسبت به پایان سال ۱۹۹۴ کمتر بوده است.

جدول بالا میزان ذخیره‌سازی در چند ماه اخیر را نشان می‌دهد:

**وضعیت ذخیره‌های نفتی**  
در ابتدای سال ۱۹۹۷ سطح ذخیره‌های نفتی به طور کم سابقه‌ای در سطح نازلی قرار دارد که تا حدی افزایش بی‌سابقه قیمت نفت در اواخر سال گذشته میلادی معلول این عامل بوده است آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) حاکی از آنست که ذخایر تجاری کشورهای صنعتی طی ربع چهارم سال ۱۹۹۶ به میزان ۰/۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافته که با این حساب به مقدار ۲۰ میلیون بشکه نسبت به دسامبر سال ۱۹۹۵ که به توبه خود ذخیره‌ها نسبت به سالهای قبل از آن در سطح کمتری بود، کاهش نشان می‌دهد. اگر چه شکاف بین سال ۱۹۹۵ و سال ۱۹۹۶ در طول ربع چهارم سال گذشته کاهش یافت این امر به معنی آن نیست که سطح ذخیره‌سازی به حالت طبیعی خود بازگشته است در پایان سال ۱۹۹۶، ذخیره‌های تجاری کشورهای صنعتی به میزان ۱۴۶ میلیون بشکه نسبت به پایان سال ۱۹۹۴ و ۱۰۲ میلیون بشکه نسبت به پایان سال ۱۹۹۳ کمتر بوده است. تا اندازه‌ای کاهش ذخیره‌های نفت خام معلول بالا بودن خوراک پالایشگاهی در طول ربع چهارم سال ۱۹۹۶ بوده است. در طی این دوره خوراک پالایشگاهی در آمریکا، اروپا و ژاپن نسبت به ربع چهارم سال ۱۹۹۵ به میزان ۰/۷ میلیون بشکه بیشتر بوده است. در پایان ماه نوامبر

رسید، احتمالاً صرفاً افزایش معادل یک سوم آن را کسب خواهد کرد. ولی بخش اعظم افزایش تولید غیر اوپک در سال ۱۹۹۷ از ناحیه کشورهای آمریکای لاتین خواهد بود که معادل ۴۰٪ مجموع افزایش تولید غیر اوپک را به خود اختصاص خواهند داد، در حالی که دریای شمال ۲۲٪ مجموع افزایش را خواهد داشت و تولیدکنندگان آفریقایی با ۱۴٪ در مکان سوم قرار خواهند داشت.

در آمریکای جنوبی که مجموعاً ۶۰۰ هزار بشکه در روز برای آن افزایش تولید پیش‌بینی می‌شود به ترتیب مکزیک و برزیل با ۲۰۰ و ۱۵۰ هزار بشکه در روز از پیشروان این منطقه هستند و کلمبیا با ۱۱۵ هزار بشکه در روز بعد از آنها قرار می‌گیرد. غنیر از کانادا که افزایش معادل ۱۰۰ هزار بشکه در روز برای تولید آن پیش‌بینی شده است، در آفریقا آنگولا با ۹۰ هزار بشکه در روز، کنگو با ۶۰ هزار بشکه و گینه با ۴۵ هزار بشکه در روز در زمره مناطق غیر اوپک هستند که افزایش تولید خواهند داشت.

نمودار بالا برآوردی از افزایش تولید در مناطق مختلف غیر اوپک در سال ۱۹۹۷ نسبت به سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد.

## بخش سوم - دورنمای قیمت نفت در میان مدت

نوامبر ۹۵	نوامبر ۹۶	اکتبر ۹۶	سپتامبر ۹۶	(میلیون بشکه)
۳۶۵	۳۵۰	۳۴۹	۳۶۵	بترین
۴۹۸	۴۸۲	۴۷۸	۴۷۲	فراورده‌های میان تقطیر
۱۶۵	۱۶۰	۱۵۹	۱۵۷	نفت کوره
۱/۳۳۲	۱/۲۶۷	۱/۲۷۷	۱/۲۹۴	مجموع فراورده‌ها
۸۶۷	۸۵۳	۸۶۲	۸۳۸	نفت خام
۲۹۶	۲۹۷	۲۹۶	۳۰۶	NGI و خوراک
۲/۴۹۵	۲/۴۱۷	۲/۴۳۵	۲/۴۳۸	مجموعه ذخیره‌های تجاری

میزان ذخیره‌سازی تجاری در کشورهای صنعتی (پایان هر ماه).

چندین عامل موجبات تقویت چشمگیری بهای نفت در سال ۱۹۹۶ میلادی را فراهم ساخت که لااقل تکرار بخشی از آنها برای سال جاری و دورنمای میان مدت بهای نفت غیر محتمل می‌نماید. نخستین عامل درجه قابلیت پیش‌بینی آن نیز از سایر عوامل کمتر بود، شدت و طولانی شدن دوره سرما در نیمکره شمالی بود این عامل به همراه سطح بی‌سابقه پایین ذخیره‌سازی در ابتدای زمستان موجب گردید بهای نفت به میزان کاملاً خلاف انتظاری افزایش یابد. شدت سرما همچنین کار بارگیری در بخشهای تولید دریایی مهم نظیر دریای شمال و خلیج مکزیک آمریکا را مختل نمود و شروع به کار بسیاری از حوزه‌های دریای شمال را به تأخیر انداخت. کاهش تولید بی‌سابقه وضعیت بازار تقاضا برای سوخت گرمایشی را که به خودی خود نیز وضعیت خوبی نداشت را بدتر کرد و بهای نفت را بیش از پیش در جهت افزایش سوق داد.

عامل دیگری که در سال گذشته قیمت‌های نفت را تقویت می‌نمود ادامه تحریم کامل نفتی عراق بود که از ۷ اوت ۱۹۹۰ به‌مورد اجرا گذاشته شده بود. این عامل طی پنج سال گذشته یکی از عوامل مهم ژئوپلیتیک بوده است که بی‌ثباتی در قیمت نفت را سبب گردیده و احتمالاً برای آینده قابل پیش‌بینی نیز این ویژگی را حفظ خواهد کرد، هر چند که صادرات محدود نفت تاکنون آغاز نشده است و یکی از عوامل تضعیف قیمت‌ها در یکی دو ماه اخیر بوده است.

در مورد عواملی که موجبات تقویت نفت در سال ۱۹۹۶ گردید نوعاً از دوگونه علل و عوامل یاد می‌شود که یک گروه از آنها عوامل گذرا و ناپایدار بودند و دیگری عواملی که از ثبات و پایداری بیشتری برخوردار بودند. از گروه عوامل ناپایدار می‌توان به انفجار عربستان که نگرانیهایی در مورد امنیت عرضه نفت از این کشور ایجاد نمود، ناآرامیهای کارگری در بخش‌های نفت برزیل و پرو و مانورهای

نظامی چین در تنگه تایوان اشاره نمود. در زمره عوامل مهم‌تر و با ثبات‌تر که می‌توان انتظار داشت آثار طولانی‌تری بر بازار اعمال نمایند می‌توان افزایش شدید تقاضای فراورده‌های نفتی در هند و چین، تبدیل برزیل به یک واردکننده خالص بنزین در حالی که تاکنون یک صادرکننده خالص (بیشتر به آمریکا) بود و اصرار بیشتر کنگره آمریکا به تحریم‌های نفتی که به صورت لایحه هلمزبرتون بر علیه شرکت‌هایی که با ایران یا لیبی و کوبا رابطه تجاری نفتی برقرار کنند، منعکس گردید. تأثیر جمعی این مجموعه عوامل که عمدتاً در جهت افزایش بهای نفت قرار داشتند به‌همراه سیاست ذخیره‌سازی کمتر و همراه با مصرف که می‌تواند در مواقع کمبود آثار شدید افزایش در مورد قیمت داشته باشد، در طی سال وضعیت بورسهای نفتی به صورت «عقب‌گرد» "Backwardation" (حالتی که محموله‌های کوتاه‌مدت‌تر بهای بیشتری دارند) ظاهر شد که گویای هراس مبادله‌کنندگان بازار از عدم دست یافتن به نفت مورد نیاز در زمان مورد نیاز در کوتاه‌مدت بود.

با توجه به مجموعه شرایط سال ۱۹۹۶، می‌توان به‌طور خلاصه عرضه و تقاضای سال ۱۹۹۷ را به صورت بالا پیش‌بینی نمود:

با توجه به جدول فوق، روشن است که بازار نفت در سال ۱۹۹۶ دچار تنگناها و فشارهایی بوده است که عمدتاً در طول زمستان قیمت‌ها را به سمت بالا سوق داد و

عوامل بنیادی حاکی از کمبود عرضه در برابر تقاضا نمی‌باشد. روند کاهش قیمت‌ها از اواسط ماه فوریه برای آینده کوتاه مدت حاکی از رفع این فشارها می‌باشد و چنانچه شرایط به صورت طبیعی و پیش‌بینی شده سپری شود، کاهش بیشتری در بهای نفت را می‌توان طی سه الی چهار ماه آینده انتظار داشت.

در حال حاضر دورنمای قیمت برای بقیه سال ۱۹۹۷ مانند دورنمایی است که در اوایل سال گذشته برای قیمت پیش‌بینی می‌شد و در واقع در حد ۴-۵ دلار بالاتر از آن تحقق پیدا کرد. بنابراین پیش‌بینی کننده‌ای که بخواهد با احتمال قابل قبولی بر یک روند خاص بر قیمت در سال جاری اصرار ورزد یا بایستی الهام از غیب داشته باشد و یا آن که نسبت به عوامل خاف‌گیرکننده در بازار نفت که تعداد آنها در گذشته بسیار بوده، بی‌اطلاع می‌باشد.

یکی از تحلیل‌گران با نگاه واقع‌بینانه‌ای عوامل مختلف مؤثر در قیمت نفت را برای دو سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ به صورت جدول صفحه بعد مورد مقایسه قرار داده است:

با توجه به عوامل ذکر شده، و همانگونه که روند فعلی قیمت‌ها نیز حاکی است، می‌توان انتظار داشت در پیچه فرا رسیدن بهار و کاهش تقاضای بهای نفت برای یک دوره سه الی چهار ماهه کاهش یابد، لکن مجدداً در تابستان به علت ذخیره‌سازی تقاضا برای نفت افزایش خواهد یافت و قیمت‌ها را به بالا هدایت خواهد کرد. در



مجموع می‌توان چنین اظهار نظر نمود که بهای متوسط نفت در سال ۱۹۹۷ تا اندازه‌ای از سال قبل کمتر خواهد بود، لکن به نظر می‌رسد لااقل بخشی از افزایش به دست آمده در سطح قیمت‌ها در سال ۱۹۹۶ برای سال جاری حفظ شود.

#### فهرست منابع و مآخذ

- Strategies & Sanctions: world oil market pjections 1996 - 2011. study No. 76. No. 1996. CER.
- Middle EAST Economic survey (MFFS), 1996.
- Petroleum Intelligen weekly (PIW), 1996, Jan. 97.- oil Market Intelligence (OMI), Dec. 1996.
- Energy in Japan , July, 1993
- Energy policy, 1996

عامل	۱۹۹۶	۱۹۹۷
ذخیره‌های نازل	بله	بله
انتظار تولید غیر اوپک	۱ میلیون بشکه در روز	۱/۲ میلیون بشکه در روز
عرضه نازل سوخت گرمایشی	بله	بله
عرضه نازل بنزین	بله	بله
افزایش ظرفیت پالایشگاهی در آسیا	خیلی زیاد	کمتر
از سرگیری صادرات محدود در عراق	بله	خیر
ورود نفت عراق به بازار	خیر	بله
عقب‌گرد شدید در بررسی‌های نفتی	بله	به صورت شدید خیر
دخالت در بورسهای نفتی	غالباً	گاهاً

## یک شرکت نفتی کانادایی علاقه‌مند به مشارکت نفتی با ایران

پروژه بوخه در عمان موجب خواهد شد ای.پی.سی بیشتر تلاش خود را بر روی پروژه هنگام متمرکز سازد.

اگرچه هنوز قراردادی در این زمینه میان طرفین امضاء نشده است لیکن یک شرکت کانادایی فعلاً مرحله اول انجام این پروژه یعنی ایجاد تأسیسات مورد نیاز انجام عملیات حفاری را به عهده گرفته است.

یکی از شرکت‌هایی که احتمال دارد با ای.پی.سی شریک شود شرکت نفتی الف فرانسه است که نسبت به گسترش فعالیت‌های خود در منطقه خلیج فارس ابراز تمایل کرده است.

کارشناسان تخمین می‌زنند با حفاری ۶ الی ۷ چاه در میدان هنگام این امکان وجود خواهد داشت که بتوان روزانه ۲۰ هزار بشکه مواد جامد نفتی و ۱/۵۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از آن استخراج کرد.

برای انجام پروژه‌های جدید نفتی و گاز در منطقه بسیار مفید واقع خواهد شد.

برای انجام یکی از پروژه‌هایی که این شرکت نسبت به انجام آن تمایل دارد، بهره‌برداری از میدان گاز «هنگام» است که در مرز آبی ایران و عمان در خلیج فارس واقع شده است. بخش عمده منابع این حوزه که ۲۸ میلیارد متر مکعب گاز و ۲۰۰ میلیون بشکه مواد جامد نفتی ذخیره دارد در حریم دریایی ایران قرار گرفته است. دو کشور در اوایل پائیز گذشته در مورد مالکیت آن به توافق رسیدند و بر این اساس ۲۰ درصد ذخایر آن به عمان و مابقی به ایران تعلق دارد.

با توجه به اینکه گفته می‌شود ای.پی.سی و ایران در مورد نحوه بهره‌برداری از حوزه «هنگام» و برنامه‌ریزی عملیات مربوط به انجام این طرح به توافق رسیده‌اند فروش سهم آن از

یک شرکت نفتی کانادایی که نسبت به مشارکت در یکی از پروژه‌های نفتی فلات قاره ایران ابراز تمایل کرده است با واگذار کردن بخشی از فعالیت‌های نفتی و گاز خود در عمان تجدید سرمایه کرد.

شرکت نفتی اینترنشنال پترولیوم کورپوریشن که بیش از ۱۰ سال است در بهره‌برداری از منابع دریای نفت عمان با این کشور مشارکت می‌کند، اعلام کرد به این همکاری خود با مسقط پایان می‌دهد. این شرکت که به اختصار «ای.پی.سی» خوانده می‌شود چهل درصد سهام خود از پروژه بهره‌برداری از منابع گاز میدان بوخه را در اختیار داشت و از سال ۱۹۹۴ میلادی تاکنون روزانه ۴۰ میلیون مترمکعب گاز و ۵ هزار بشکه مواد غلیظ نفتی از آن تولید می‌کرد. شرکت مذکور در مقابل فروش سهام خود ۲۶/۵ میلیون دلار دریافت کرده است که در تقویت بنیه آن